

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان

جامعه پذیری آنان

مینا امینی زاده^۱، مژگان نیکنام^۲، پانته آ جهانگیر^۳

چکیده

هدف مشترک تمام عوامل جامعه پذیری آن است که هنجارها، ارزش ها، اعتقادات مذهبی، اجتماعی، اخلاقی و غیره را در فرد درونی نمایند. نتایج تجربیات علمی و عملی نشان می دهد که مشکلات عمده رفتاری و شخصیتی در گروه نوجوانان جامعه، عدم انطباق و سازگاری با انواع متضاد هنجارها و ارزش هایی است که در فرآیند جامعه فرا گرفته می شود، مسایلی که میتواند منجر به تعارض و وارد شدن به روابط آسیب زایی باشد که نهایتا منجر به سوء استفاده عاطفی شود، از این رو این پژوهش با هدف مدل یابی عوامل پیش بینی کننده سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی تهران و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی و به شیوه تحلیل مسیر انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دختران نوجوان در مقطع دبیرستان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ در تهران بود. نمونه گیری به روش خوشه ای چند مرحله ای انجام گرفت، ابزار گردآوری پرسشنامه های استاندارد جامعه پذیری، سوء استفاده عاطفی، دینداری، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، و سبکهای هویتی بود. نتایج این تحقیق نشان می دهد که رابطه بین نمره کل دینداری و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران منفی و معنادار است ($r = -0.384, p = 0.05$). رابطه بین نمره کل هوش هیجانی و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران مثبت و معنادار است ($r = 0.352, p = 0.05$). رابطه بین نمره سبکهای دلبستگی ایمن و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران منفی و معنادار است ($r = -0.396, p = 0.05$). رابطه بین نمره سبکهای هویتی هنجاری ($r = -0.142, p = 0.05$) و تعهد ($r = -0.322, p = 0.05$) با سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران منفی و معنادار است. همچنین، نتایج نشان می دهد که رابطه بین سبکهای هویتی سردرگم ($r = 0.278, p = 0.05$) و با سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی ، مثبت و معنادار است. یافته ها نشان داد متغیرهای مورد مطالعه و مولفه های آنان عامل پیش بینی کننده ای برای سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران محسوب می شوند و هر یک از متغیرها با میزان جامعه پذیری دانش آموزان در ارتباط است.

واژگان کلیدی: جامعه پذیری، سوء استفاده عاطفی، دینداری، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، سبکهای هویتی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول)

minaaminazadeh92@gmail.com

^۲ استادیار، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران jahangir@riau.ac.ir

^۳ استادیار، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

تعدد عوامل جامعه پذیری امروزه یک واقعیت اجتماعی است که توأم با پیچیدگی نظام اجتماعی، خود در تقویت مشکلات رفتاری تأثیر فوق العاده ای دارد. این تعدد به گونه ای است که می توان به جرأت ادعا نمود اگر نظام های مدون تعلیم و تربیت به کمک فرد نشتابند، فرد بسان موجود ضعیفی مورد هجوم و بمباران اندیشه ها، هنجارها و ارزشها قرار می گیرد. شرط بقای هر جامعه یگانگی اجتماعی است. از این رو هر جامعه می کوشد تا از طریق جامعه پذیری، اعضای خود را با هنجارها و ارزش های اجتماعی آشنا کند و به آنها مطالبی بیاموزد تا بتوانند متناسب با هنجارهای جامعه ای که در آن به سر می برند، زندگی کنند. اگر فرایند اجتماعی شدن ناموفق باشد و نتواند هنجارهای جامعه را ملکه ذهن افراد سازد در آن صورت افرادی در جامعه پرورش می یابند که به علت درونی نشدن هنجارها از تخلف و قانون شکنی احساس پشیمانی و شرمساری نکرده و تنها نیروی درونی بازدارنده آنها از انحرافات اجتماعی از بین می رود (چلبی، ۱۳۷۵). یکی از این انحرافات اجتماعی برقراری ارتباط های خارج از چارچوب در دوره بحرانی و مهم نوجوانی میباشد، ارتباطی که ممکن است منجر به ایجاد روابط پرخطر و آسیب زا و نهایتاً سوء استفاده عاطفی باشد. دوره نوجوانی با تحول همه جانبه و عمیق شخصیتی همراه است. نوجوان بایستی با تغییرات بدنی سازگار شود و از طرف دیگر ناچار است که با مجموعه ای از نظام های ارزشی برخورد کند و سپس رفتار متناسب با اجتماع داشته باشد (شافر، ۲۰۰۸). عوامل گوناگونی میتواند پیش بینی کننده سوء استفاده عاطفی در دوران نوجوانی باشد؛ لذا در مجموع با توجه به لزوم بررسی عوامل موثر بر سوء استفاده عاطفی برآنیم که رابطه این عوامل را با میزان جامعه پذیری نوجوانان دختر بررسی نماییم.

طرح مساله

هدف مشترک تمام عوامل جامعه پذیری آن است که هنجارها، ارزش ها، اعتقادات مذهبی، اجتماعی، اخلاقی و غیره را در فرد درونی نمایند. اما فرآیندی که هر نهاد طی می کند با دیگری متفاوت و گاهی نیز مشابه است، این تفاوت در روش های هر نهاد که به راستی به طور اخص بر خانواده و مدرسه تاکید می گردد، سبب می شود نتایج تربیتی مختلفی حاصل گردد. نتایج تجربیات علمی و عملی نشان می دهد که مشکلات عمده رفتاری و شخصیتی در گروه نوجوانان و حتی جوانان جامعه عدم انطباق و سازگاری با انواع متضاد هنجارها و ارزش هایی است که در فرآیند اجتماعی شدن از مجرای خانه و مدرسه فرا گرفته می شود. سرگردانی، اضطراب، تردید، عدم اعتماد، بی تفاوتی و مواردی مشابه آن، نوجوانان و با

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان

جوانان را در برابر انتخاب رفتارهای مناسب، با مشکل مواجه می سازد. بنابراین آرامش و فضای امنی که فرد نیازمند آن است با این عدم توافق بین هنجارها به دست نمی آید، فردی با این ویژگی ایمان کافی به ارزش ها و هنجارهایی را که آموخته است نخواهد داشت. ساده ترین نتیجه این موضوع تزلزل در شخصیت، منش و تصمیم های فرد است که خود زمینه انفعال و اضمحلال در پیکره شخصیت فرد را فراهم می کند و همچنین در جامعه با افرادی بی انگیزه و باری به هر جهت روبرو می شویم که مرام و مسلک مشخصی نخواهند داشت. جامعه پذیری فرایندی است که در آن فرد ارزشها و هنجارهای جامعه را از طریق نهادهای رسمی جامعه مانند آموزش و پرورش یاد می گیرد. در کنار نهادهای رسمی عوامل غیررسمی هم وجود دارد که سعی در یادگیری افراد جامعه هستند که می توانند در مقابل عوامل رسمی جامعه قرار بگیرند. تعدد عوامل جامعه پذیری امروزه یک واقعیت اجتماعی است که توام با پیچیدگی نظام اجتماعی، خود در تقویت مشکلات جامعه پذیری تأثیر فوق العاده ای دارد. این تعدد به گونه ای است که می توان به جرات ادعا نمود اگر نظامهای مدون تعلیم و تربیت به کمک فرد نشتابند، فرد بسان موجود ضعیفی مورد هجوم اندیشه ها، هنجارها، ارزشها قرار می گیرد. فرایند جامعه پذیری در جامعه به طور غیر رسمی^۱ مانند گروه دوستان، خانواده و فضای مجازی و... می باشد. و به طور رسمی^۲ از طریق مدرسه صورت می پذیرد (تنهایی، ۱۳۷۹). براساس بررسی ها و با استناد به گزارش اداره سلامت جوانان کشور، سن بلوغ دختران ایرانی از ۱۳/۸ به ۱۲/۶۵ رسیده است. در سال های اخیر، شاهد بلوغ زودرس دختران در سن پایین هستیم که این مسئله، مسئولیت والدین و جامعه را در قبال دوران بلوغ دختران دوچندان می کند. از آنجاکه دختران در آینده، نقش بسیار مهم مادر شدن را عهده دار می شوند، بلوغ آنها از حساسیت و اهمیت بیشتری نسبت به پسران برخوردار است. همچنین فوران احساسات در دختران در مقایسه با پسران، اهمیت توجه به بلوغ دختران را می رساند. همچنین ضعف در جامعه پذیری موجب بروز رفتارهایی مانند بزهکاری، روابط پرخطر، ناسازگاری، افت تحصیلی (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۴-۴۹)، مصرف مواد و اعتیاد (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۲) می گردد. در مجموع امروزه، در جامعه ما، نوجوانان چیزهایی را می پسندند که با سلیقه و ذائقه نسلهای پیشین تفاوت ماهوی و فاحش دارند. اطلاعات، دانش، رفتارهای اجتماعی، علایق و نوع تفکر این نسل آن چنان متفاوت از نسلهای پیشین است که او را در موقعیت خاصی قرار داده است. یکی از این تفاوتها، در شکل جامعه پذیری آنان است که وارد

^۱ informal

^۲ formal

شدن به رابطه با جنس مخالف تا حدودی تبدیل به یک ارزش شده است و با توجه به عدم پختگی و گاه جامعه پذیری منفی نوجوان وارد یک رابطه ی آسیب زا که متعاقبا منجر به سوء استفاده عاطفی میشود، خواهد شد. خشونت و سوءاستفاده در روابط بین فردی به خصوص در دوره نوجوانی، مشکلی اجتماعی با اثرات گسترده است که در تمام فرهنگها، نژادها و طبقات اجتماعی به شیوه های متعددی اعم از فیزیکی، جنسی، عاطفی و کلامی روی میدهد (کیم، ۲۰۰۹). پژوهشها مؤید آن است که اثرات سوءاستفاده روانی و عاطفی و خشونت در روابط نزدیک اگر بیش از خشونت فیزیکی نباشد، به همان اندازه آسیب زا هستند (فردریک، ۲۰۰۵). برخی از ادوار زندگی به دلیل تاثیرات فیزیکی با اهمیت تلقی میشود و برخی دیگر از لحاظ تاثیرات روحی قابل اعتنا هستند، ولی نوجوانی از هر دو جهت مهم میباشد (فیشر، ۲۰۰۸). دوران نوجوانی، حساس ترین دوران زندگی هر فرد محسوب میشود. این دوره با دوران بلوغ آغاز میشود که در این دوران فرد چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ روحی دچار تغییرات فراوانی میشود (میلر، ۲۰۰۲). پدیده نوجوانی با این پرسش اساسی همراه است که نوجوان از خود میپرسد: "من کیستم؟". پاسخ به این پرسش اساسی که چند سال ادامه خواهد یافت منجر به آگاهی و شناختی حیاتی میشود. در این دوره فرد با انرژی و حساسیت به دنبال کسب هویت است و باید نقطه اتکایی برای پیوند خود با جنس مخالف و ارزشهای فرهنگی و اجتماعی اطراف بیابد (ماکرز، ۲۰۰۱).

علاوه بر سبکهای هویتی، تحقیقات نشان داده است که سبکهای دلبستگی در گرایش های شخصی و شکل گیری شخصیت یک تعیین کننده بزرگ در دوران نوجوانی است (کسیدی، ۲۰۰۰). دلبستگی، به گرایش پایدار شخص و تلاش ویژه وی برای دست یافتن یا حفظ همجواری و ارتباط با یکدیگر برای کسب سلامتی جسمی و روانشناختی گفته میشود (مورلی، ۲۰۱۱). سبک دلبستگی یک الگوی رفتاری خاص است که کیفیت تعامل بین فرد و موضوع دلبستگی را نشان میدهد که شامل سبکهای دلبستگی ایمن، نایمن و دوسوگرا میباشد. (هازان و شیور، ۱۹۸۷).

علاوه بر این دو؛ نقش هوش هیجانی را بر چگونگی گذار از مرحله نوجوانی و به عنوان یکی از مهمترین پیش بینی کننده های سوء استفاده عاطفی در نوجوانان نمیتوان نادیده گرفت. تحقیقات نشان داده که در بهترین شرایط هوشبهر حداکثر ۲۰ درصد در پیش بینی موفقیت در زندگی سهم دارد، در حالی که ۸۰ درصد باقی مانده به نیروهای دیگر مربوط میشود. بنابراین این مسائل نشان دهنده این مساله است که عامل مهم دیگری غیر از هوش شناختی نیز وجود دارد که میتواند در کنترل تکانه ها موثر باشد که آن هوش هیجانی است (بار، آن، ۲۰۰۲). از نظر ژرندایک هوش اجتماعی توانایی درک

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان
دیگران و عمل و رفتار هوشمندانه در روابط با دیگران است و لذا از اشکال انتزاعی و مکانیکی هوش متمایز میشود(به
نقل از خداوندی راهدانه، ۱۳۹۳).

گلشن هوش هیجانی را شناخت احساسات دانسته و استفاده از آن را برای اتخاذ تصمیمات مناسب در زندگی و کنترل
تکانه ها و هیجانها در رابطه با دیگران لازم می داند. وی اشاره میکند هوش هیجانی ارتباط بالایی با زندگی عاطفی دارد
(گلشن، ۲۰۰۰).

مورد بعدی که میتواند یکی از پیش بینی کننده های سوء استفاده عاطفی یا روانی در نوجوانان باشد دینداری است.
شکی نیست که یکی از عوامل مؤثر بر رفتار و نگرش انسانها در جوامع گوناگون دینداری است. جیمز معتقد است
مذهب عبارت است از تجربه و احساس رویدادهایی که برای هر انسانی، در عالم تنهایی و دور از همه ی وابستگیها روی
می دهد، به طوری که انسان از این مجموعه درمی یابد که بین او و آن چیزی که آن را امر الهی می نامد رابطه ای برقرار
است (صیدی، ۱۳۹۲). با توجه به این مسایل دینداری در نوجوانان میتواند به عنوان یکی از عوامل پیش بینی کننده
سوء استفاده عاطفی از آنها مورد بررسی قرار گیرد.

بنابراین با توجه به اهمیت و لزوم دستیابی به یک پایگاه هویتی منسجم و موفق، سبک دلبستگی ایمن، هوش هیجانی
کافی، دینداری که تمام ابعاد آن را پوشش دهد؛ در دوره سرنوشت ساز نوجوانی که بی شک تاثیرات آن تا پایان عمر در
زندگی و سلامت روان شخص جریان خواهد داشت، تصمیم داریم این موارد را به عنوان عوامل پیش بینی کننده سوء
استفاده عاطفی در بین نوجوانان دختر بررسی و رابطه آن را با میزان جامعه پذیری آنان مورد مطالعه قرار دهیم.

مبانی نظری:

جامعه پذیری فرایندی است که افراد از هنگام تولد تا مرگ، به شیوه های گوناگون از آن تأثیر می پذیرند. این فرایند،
ارزش ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را در قالب الگوهای رفتاری هنجارمند به افراد منتقل می کند و بدین سان نسل
ها را به یکدیگر پیوند می دهد. افراد از این راه یاد می گیرند که چگونه به نیازهای اجتماعی و زیستی خود، به گونه ای
که از دیدگاه اجتماعی پذیرفته شده باشد، پاسخ گویند تا به ارزش ها، هنجارها و اهداف فرهنگی آسیبی نرسد (گیدنز،
۱۳۸۱). جامعه پذیری از نظر لغوی به معنای انطباق با جامعه و آشناسازی با جامعه است (حق شناس، ۱۳۸۷). یک

فرایند مادام العمر جامعه شناسی و روان شناسی، که طی آن هر فرد، هنجارها، ارزش ها و الگوهای رفتاری را که جامعه وی بر آنها تأکید دارد، به صورت جزئی از وجود خویش در می آورد (بلیک و هارولدسن، ۱۳۷۸). از نظر هربرت بلومر اجتماعی شدن به معنی ذوب شدن و یکی شدن و جا افتادن در جامعه کلان است و تنها بعد از جامعه پذیری است که فرایند اجتماعی شدن می تواند رخ دهد (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۷۹).

اگ برن^۱ و نیم کف^۲ جامعه پذیری را جریانی می دانند که فرد را عملاً با زندگی گروهی همساز می کند و فرد جامعه پذیر کسی است که بر اثر همنوا شدن با هنجارهای گروهی، وظائف گروهی را پذیرفته و راه های همکاری را شناخته و بدین سبب دارای رفتاری گروه پسند شده است (تنهایی، ۱۳۷۹). جامعه پذیری از جمله نظریه های مطرح در حوزه تأثیر رابطه اجتماعی بر بروز رفتارهای بزهکارانه نوجوانان است. از جمله نظریه پردازان آن می توان به ایکرز^۳ اشاره نمود. از نظر ایکرز (۱۹۹۹) روند جامعه پذیری در گروه های همسال (و یا دیگر گروه ها که باعث ایجاد و حفظ رفتار بزهکارانه می شود، عمدتاً شامل تعامل با دیگرانی می شود که درگیر در رفتار انحرافی هستند، از رفتار انحرافی حمایت می کنند، انحراف را تقویت می کنند و یکدیگر را در معرض الگوهای انحرافی می گذارند (علیوردی نیا و حیدری). بر این اساس روند یادگیری روابط پرخطر در گروه های همسالان بر ایجاد، حفظ و تقویت رفتارهای مذکور تأثیر گذار است. نظریه شناختی اجتماعی که به نظریه یادگیری نیز معروف است (بندورا، ۱۹۹۷) رفتار را به عنوان نتیجه سه عامل دارای ارتباط متقابل یعنی رفتار، عوامل شخصیتی و رویدادهای بیرونی، توضیح می دهد. انتظار می رود هر گونه تغییر در هر یک از این سه فاکتور، تعیین کننده تغییرات در بقیه عوامل باشد. رفتار تحت تأثیر ترکیب عوامل و رویدادهای شخصی و بیرونی نگریسته می شود (صفاری و همکاران، ۱۳۸۹). یکی از پیش فرض های کلیدی آن تأکید بر محیط بیرونی است که منبعی برای یادگیری مشاهده ای به شمار می رود. بر اساس نظریه شناختی اجتماعی، محیط عبارتست از مکانی که افراد می توانند در آن به مشاهده یک عمل و درک عواقب آن پرداخته و در جهت تکرار و پذیرش آن انگیزه شوند (صفاری و همکاران). از نظر بندورا (۱۹۷۷: ۳۸ به نقل از هرگنهان و آلسون، ۱۳۸۶: ۳۶۱) یادگیری مشاهده ای در همه وقت اتفاق می افتد، «پس از آن که توانایی یادگیری مشاهده ای به حد کمال رشد کرد، کسی قادر نخواهد بود مانع دیگران

^۱ Egber

^۲ Nim Kof

^۳ Akers

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان بشود تا آنچه را که می بیند یاد نگیرد». شبکه روابط اجتماعی نوجوان محیطی است که نوجوان در آن می تواند به مشاهده ای بپردازد که بر بروز روابط پرخطر یا رفتارهای سلامت تاثیر گذار است.

بر اساس نظریه های کنترل اجتماعی کجروی هنگامی به وجود می آید که تعهد فرد به جامعه ضعیف شود و یا از بین برود (هیرشی، ۱۹۶۹: ۱۶ به نقل از ابادینسکی، ۱۳۸۴: ۲۱۹). برخی از جامعه شناسان نیز رفتار کجروانه را به عنوان همنوایی افراد با خرده فرهنگ هایی می دانند که آنان به آن تعلق دارند (ابادینسکی، ۱۳۸۴: ۲۲۱). بر این اساس بروز روابط پرخطر در نوجوانان می تواند تحت تاثیر هنجارها و ارزش های خرده فرهنگ هایی باشد که نوجوان در آن حضور دارد. (فخری، ۱۳۷۵). در نظریه معروف پارسنز تأثیر جامعه پذیری بر بروز رفتارهای پرخطر نوجوانان از دو بعد ساختی و کارکردی قابل بررسی است. در بعد ساختی تأکید بر شبکه های اجتماعی است. شبکه روابط اجتماعی نوجوان با خانواده، دوستان و دیگر گروه هایی که با آنان رابطه دارد می تواند از خلال یادگیری اجتماعی، یادگیری شناختی، کنترل اجتماعی و عضویت در خرده فرهنگ ها بر بروز رفتارهای پرخطر نوجوان تأثیرگذار باشد. بر اساس نظریه های ذکر شده عضویت نوجوان در هر یک از شبکه های اجتماعی به عنوان بعد ساختی رابطه اجتماعی می تواند برای او نقش محافظ یا مخاطره آمیزی را در بروز روابط پرخطر ایفا نماید. همچنین تأثیر رابطه اجتماعی از بعد کارکردی بر بروز روابط پرخطر می تواند بر حمایت اجتماعی و عزت نفس متمرکز باشد که هر دو نقش پیشگیری کننده ای از بروز روابط پرخطر نوجوانان را دارند (توسلی، ۱۳۷۳). برای سوء استفاده عاطفی، معادلهای سوء استفاده روانی - کلامی نیز به کار رفته است. این اعمال به طور نمادین به فرد دیگر آسیب میزنند و برای ترور شخصیت قربانی به کار میروند و از قدرت جسمانی استفاده نمیشود (جانسون، ۲۰۰۷). پژوهشها مؤید آن است که اثرات سوء استفاده روانی و عاطفی و خشونت در روابط نزدیک اگر بیش از خشونت فیزیکی نباشد، به همان اندازه آسیب زا هستند (فردریک، ۲۰۰۵). علیرغم تحقیقات فراوان در مورد پیامدهای خشونت بر سلامت روانی زنان، هنوز جنبه های ناشناخته زیادی وجود دارد (روئیز پرز و همکاران، ۲۰۰۶). در بررسی علل بروز روابط پرخطر، مؤلفه های زیستی و روانشناختی بسیاری مورد بررسی و آزمون قرار گرفته اند اما مؤلفه های اجتماعی به ویژه در زمینه روابط اجتماعی کمتر در ایران مورد بررسی قرار گرفته اند. لذا در این پژوهش ابتدا به مدل یابی عوامل پیش بینی کننده سوء استفاده عاطفی و در مرحله بعد به بررسی ارتباط این عوامل با میزان جامعه پذیری پرداختیم.

احمدی و معینی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه جامعه پذیری و روابط پرخطر نوجوانان: مطالعه موردی شهر شیراز» با تأکید بر نظریه کنترل اجتماعی هیرشی به بررسی رابطه جامعه پذیری و روابط پرخطر در میان نوجوانان ۱۹-۲۹ سال شهر شیراز پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین درآمد، دلستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت، باور به اصول اخلاقی، مهارت های اجتماعی و روابط پرخطر رابطه معناداری وجود دارد. جمشیدی (۱۳۷۹) تحقیقی تحت عنوان «تحلیلی بر نقش و تاثیر هنجارپذیری دختران نوجوان از خانواده، دوستان و مدرسه» انجام داده و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دختران نوجوان از میان گروه های نزدیک پیرامون خود بیشترین و قوی ترین ارتباط و پیوند را با والدین و در درجات بعد از گروه خانواده و مادر بیشترین ارتباط دختران نوجوان با دوستان همکلاسی خود بوده است این امر مؤید آن است که گروه های تحصیلی در مدارس از اهمیت بیشتری برخوردارند. از جهت مشابهت و همسویی ارزشی میان نوجوانان دختر با گروه های مذکور، نتایج گویای آن است که اکثریت آنان ارزشها و علایق خود را در راستای ارزش های دوستان و خانواده می بینند. در این میان سهم بیشتری را برای گروه دوستان می توان قابل بود و مدرسه گروه مرجع اکثریت نوجوانان دختر در تعیین ارزشها و علایق آنها محسوب نمی شود. به عبارت دیگر مدارس ما در جذب و تعیین الگوهای ارزشی و رفتاری در بین نوجوانان ناموفق ترین گروه بوده اند و نتوانسته اند رسالت خود را در درونی کردن ارزش های جامعه بزرگتر در بین نسل جوان به انجام برسانند (جمشیدی، ۱۳۷۹). روایی (۱۳۷۸) تحقیقی را تحت عنوان «بررسی چگونگی جامعه پذیری دانش آموزان دختر دبیرستانی» انجام داده است. یافته های تحقیق نشان میدهد که بین میزان احترام و منزلت فرد و جامعه پذیری رابطه وجود دارد و با افزایش احترام و منزلت فرد، جامعه پذیری از او نیز افزایش می یابد. بامریند (۲۰۰۰) تحقیقی تحت عنوان «جامعه پذیری و شیوه های مختلف برخورد والدین با فرزندان» انجام داده است. او در این تحقیق تأثیر شیوه های گوناگون برخورد والدین را بر جامعه پذیری فرزندان بررسی نموده است. براساس تقسیم بندی او شیوه های استبدادی، آسان گیر، امتناع و اقتداری چهار نوع برخورد والدین با فرزندان را نشان می دهد. نتیجه تحقیق او نشان می دهد که شیوه اقتداری تأثیر بیشتری در درونی کردن هنجارهای مورد نظر در فرزندان دارد. یکی از جدیدترین تحقیقاتی که در مورد سوء استفاده عاطفی قرار گرفته است مربوط به تحقیقات یعقوب خانی است که در آن به بررسی همبسته های شخصیتی دانشجویان قربانی سوء استفاده عاطفی پرداخته شده است. ۴۲ درصد روابط دانشجویان توأم با سوء استفاده عاطفی بود. برون گرایی قویترین متغیری

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان

بود که خشونت دیدگی را پیش-بینی کرد باز بودن به تجربه، روان رنجورخویی و موافق بودن به ترتیب در رتبه های بعدی قرار داشتند. (یعقوب خانی و فتحی اقدم، ۲۰۱۲). در پژوهشی که با هدف تعیین رابطه سبک های دلبستگی و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر تهران انجام شد، یافته ها نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر رابطه معنی داری وجود دارد. (شاهی، صادقی و عباس آبادی، ۲۰۲۰). همچنین در تحقیقی دیگر به بررسی رابطه سبکهای هویت و رشد اخلاقی در دختران نوجوان دبیرستانی پرداخته شد، نتایج یافته ها نشان می دهد که بین سبکهای هویتی اطلاعاتی و هنجاری با رشد اخلاقی همبستگی مثبت معنی دار وجود دارد. (ایرانی و نریمانی، ۲۰۱۹). علاوه بر آن پژوهش ها نشان می دهد که آشفتگی در هویت با نشانه های اختلال در روابط سالم و مجموعه ای از علائم مانند نوساناتی در توان ایگو، سرکشی، نوسانات خلقی (آقامحمدیان، ۲۰۱۷) همراه است. پژوهش ها نشان می دهد که سبک هویت اطلاعاتی با بهزیستی ذهنی و سازگاری (بروزنسکی و سالیوان، ۱۹۹۲، دالینگر، ۱۹۹۵) رابطه ای مثبت دارد. در یکی از جدیدترین مطالعات محققان به این نتیجه دست یافتند که بین دینداری و روابط پرخطر رابطه معنادار و معکوس وجود دارد و نگرش دینی بر میزان روابط پرخطر تاثیر گذار است. (کلاته ساداتی، حجازی و مرادی نژاد، ۲۰۱۹). همچنین تحقیقات نشان داده بین میانگین نمرات هوش هیجانی در میان نوجوانان دارای گرایش به رفتارهای پرخطر و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. (قاسمی و شریفی، ۲۰۱۸). با توجه به نتایج پژوهش هایی که ذکر شد میتوان دینداری، هوش هیجانی، سبکهای دلبستگی و سبکهای هویت را به عنوان عوامل پیش بینی کننده ای برای سوء استفاده عاطفی در نظر گرفت و با در نظر گرفتن تاثیر میزان جامعه پذیری در این عوامل پیش بینی کننده قصد داریم به تحقیق در مورد ارتباط آنان با میزان جامعه پذیری بپردازیم.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی و به شیوه تحلیل مسیر انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دختران نوجوان در مقطع دبیرستان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ در تهران بود. نمونه گیری به روش خوشه ای چند مرحله ای انجام گرفت، به این صورت که ابتدا از بین مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش تعداد دو منطقه و از هر منطقه تعداد ۳ دبیرستان دخترانه و از هر دبیرستان تعداد ۳ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد حجم نمونه با توجه به جدول

مورگان ۳۶۰ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری پرسشنامه‌های استاندارد جامعه پذیری، سوءاستفاده عاطفی، دینداری، تمایز یافتگی، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، سبک عشق ورزی و سبک هویتی بود.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اول:

دینداری عامل پیش بینی کننده ای برای سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران است.

ماتریس همبستگی دینداری و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران (بررسی فرضیه اول)

نتایج جدول ۴-۷ نشان می‌دهد که رابطه بین نمره کل دینداری و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران منفی و معنادار است ($r = -0.384$ ، $p = 0.05$). همچنین، نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین مولفه‌های دینداری شامل مؤلفه‌های اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی با سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی، منفی و معنادار است. جدول ۷-Error! No text of specified style in document. ماتریس همبستگی دینداری و سوء استفاده

عاطفی در دختران دبیرستانی تهران

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۱	اعتقادی
				۱	.۵۳۰**	عاطفی
			۱	.۱۵۸**	.۴۹۷**	پیامدی
		۱	.۱۶۰**	.۵۰۸**	.۴۴۰**	مناسکی
	۱	.۷۴۵**	.۵۵۶**	.۷۶۰**	.۸۴۰**	نمره کل
۱	-.۳۸۴**	-.۳۱۱**	-.۳۸۸**	-.۲۹۴**	-.۳۳۲**	سواستفاده عاطفی

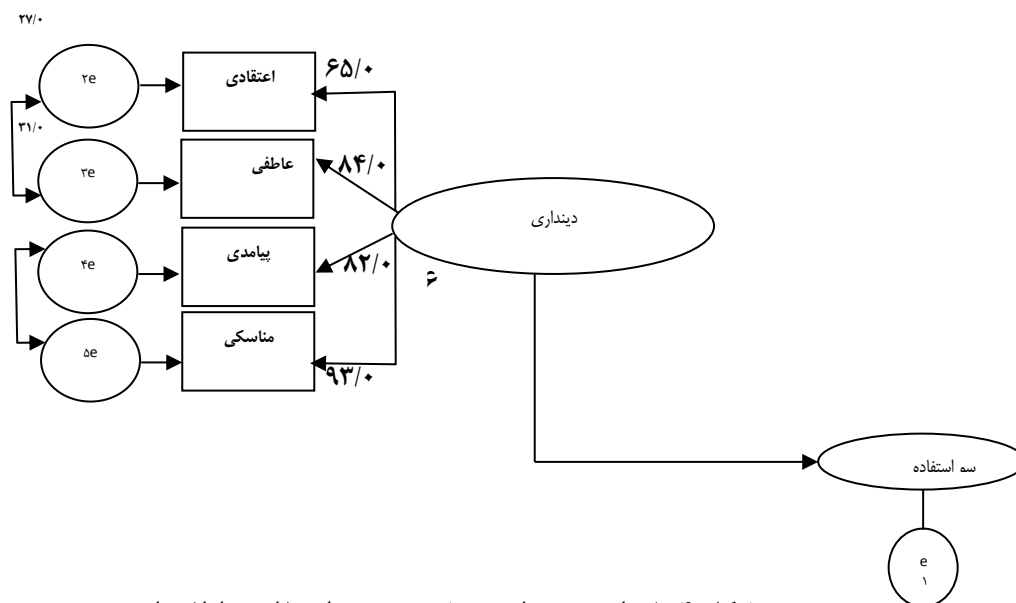
* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

شکل ۴-۱، نسخه اصلاح شده الگوی مفروض پیش بینی سوء استفاده عاطفی از روی متغیر دینداری را نشان می‌دهد. برای الگوی اصلاح شده مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) به ترتیب برابر با ۸۹۰/۹۱، ۲/۵۰، ۰/۹۴، ۰/۹۳، ۰/۹۰ و ۰/۰۵۶ به دست آمد (جدول ۴-۸). ارزش عددی مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش برای الگوی کلی اصلاح شده، برازش

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دبیرستانی و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان
مطلوب الگوی مفروض با داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول. **Error! No text of specified style in document.**: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی مفروض بعد از اصلاح

RMSEA	CFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	
۰/۰۵۶	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۹۳	۲/۸۴	۳۱۳	۸۹۰/۹۱	بعد از اصلاح مدل



شکل ۴-۱ نتایج مربوط به پیش‌بینی سوء استفاده عاطفی از روی متغیر دینداری

شکل ۴-۱ نتایج مربوط به پیش‌بینی سوء استفاده عاطفی از روی متغیر دینداری را نشان می‌دهد. مرور دقیق شاخص‌های نیکویی برازش الگوی ساختاری نشان می‌دهد که الگوی مزبور پس از اصلاح با داده‌ها برازش مطلوبی دارد (شکل ۲). در این الگو، ۲۷/۵ درصد از پراکندگی نمرات سوء استفاده عاطفی از طریق دینداری تبیین شد.

فرضیه دوم:

هوش هیجانی عامل پیش‌بینی کننده ای برای سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران است.

ماتریس همبستگی هوش هیجانی و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران (بررسی فرضیه سوم)
نتایج جدول ۴-۲ نشان می‌دهد که رابطه بین نمره کل هوش هیجانی و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران مثبت و معنادار است ($r = ۰/۳۵۲$ ، $p = ۰/۰۵$). همچنین، نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین مولفه‌های هوش هیجانی شامل مولفه‌های خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزگی و مهارت‌های اجتماعی با سوء استفاده

جدول ۴-۲: ماتریس همبستگی هوش هیجانی و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						۱	خود آگاهی
					۱	.۰۸۵	خودتنظیمی
				۱	.۷۲۲**	.۳۸۲**	خودانگیختگی
			۱	.۳۲۳**	.۱۰۲	-.۱۸۱**	همدلی
		۱	.۰۵۳	.۴۷۰**	.۷۶۷**	.۰۱۷	مهارت های اجتماعی
	۱	.۶۷۲**	.۳۰۵**	.۹۲۹**	.۸۴۹**	.۴۴۸**	نمره کل
۱	.۳۵۲**	.۱۱۸*	.۰۹۹	.۳۲۲**	.۱۷۵**	.۴۰۱**	سواستفاده عاطفی

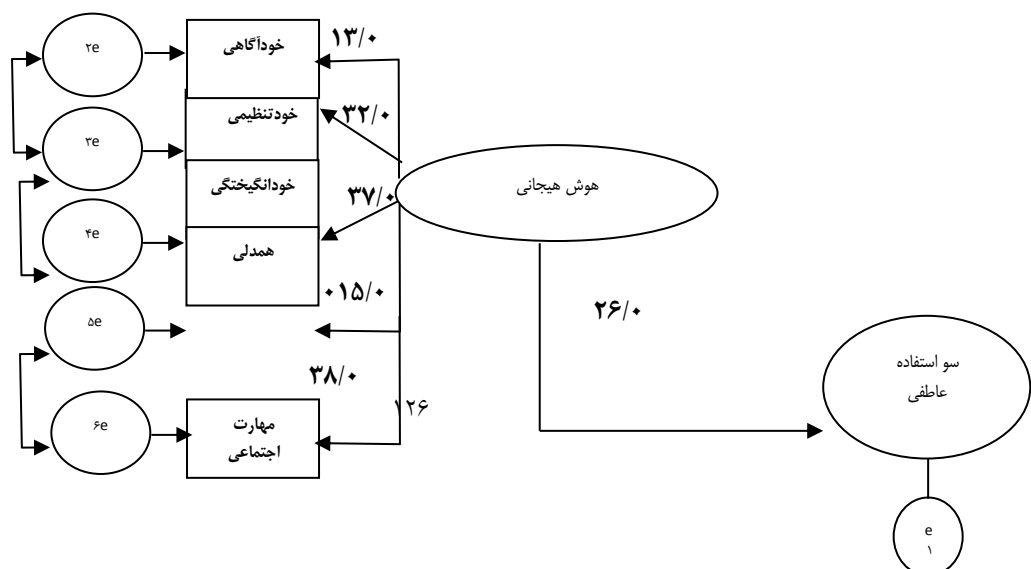
* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

شکل ۳-۴، نسخه اصلاح شده الگوی مفروض پیش بینی سو استفاده عاطفی از روی متغیر هوش هیجانی را نشان می دهد. برای الگوی اصلاح شده مقادیر شاخص های نیکویی برازش شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) برای الگوی کلی اصلاح شده، برازش مطلوب الگوی مفروض با داده ها را نشان می دهد.

جدول ۳-Error! No text of specified style in document.: شاخص های نیکویی برازش الگوی مفروض

بعد از اصلاح

RMSEA	CFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	
۰/۰۷۱	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۹۲	۱/۴۳	۱۰۷	۱۵۴/۱۳	بعد از اصلاح مدل



شکل ۳-۴ نتایج مربوط به پیش‌بینی سو استفاده عاطفی از روی متغیر هوش هیجانی

شکل ۳-۴ نتایج مربوط به پیش‌بینی سو استفاده عاطفی از روی متغیر هوش هیجانی را نشان می‌دهد. مرور دقیق شاخص‌های نیکویی برازش الگوی ساختاری نشان می‌دهد که الگوی مزبور پس از اصلاح با داده‌ها برازش مطلوبی دارد (شکل ۳). در این الگو، ۲۵/۶ درصد از پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی از طریق هوش هیجانی تبیین شد.

فرضیه سوم:

سبک‌های دلبستگی عامل پیش‌بینی کننده ای برای سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران است.

ماتریس همبستگی سبک‌های دلبستگی و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران (بررسی فرضیه چهارم) نتایج جدول ۴-۴ نشان می‌دهد که رابطه بین نمره سبک‌های دلبستگی ایمن و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران منفی و معنادار است ($r = -0.396$, $p = 0.05$). همچنین، نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی ($r = 0.471$, $p = 0.05$) و سبک‌های دلبستگی دوسوگرا ($r = 0.364$, $p = 0.05$) با سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی، مثبت و معنادار است.

جدول ۴-۴: ماتریس همبستگی سبک‌های دلبستگی و سوء

استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران

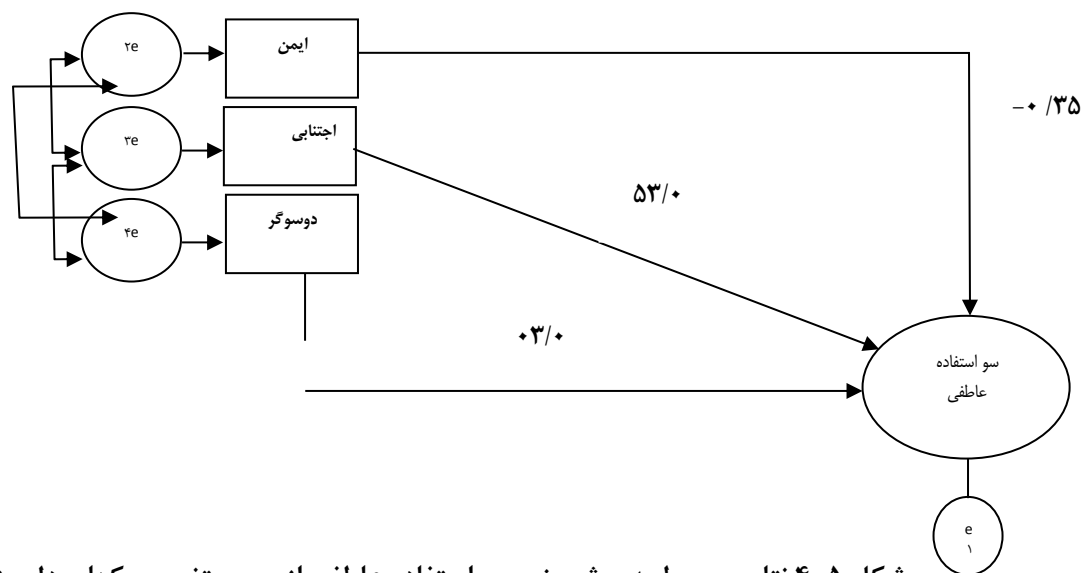
	۴	۳	۲	۱
دلبستگی ایمن				۱
دلبستگی اجتنابی			۱	-۰.۱۱۸*
دلبستگی دو سوگرا		۱	.۴۸۰**	-۰.۱۲۶*
سواستفاده عاطفی	۱	.۲۶۴**	.۴۷۱**	-۰.۳۹۶**

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

شکل ۴-۴، نسخه اصلاح شده الگوی مفروض پیش‌بینی سو استفاده عاطفی از روی متغیر سبک‌های دلبستگی را نشان می‌دهد. برای الگوی اصلاح شده مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) برای الگوی کلی اصلاح شده، برازش مطلوب

جدول ۴-۵ شاخص‌های نیکویی برازش الگوی مفروض بعد از اصلاح

RMSEA	CFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	
۰/۰۲۱	۰/۹۹	۰/۹۲	۰/۹۹	۲/۲	۱	۲/۲	بعد از اصلاح مدل



شکل ۴-۵ نتایج مربوط به پیش‌بینی سو استفاده عاطفی از روی متغیر سبکهای دلبستگی

شکل ۴-۵ نتایج مربوط به پیش‌بینی سو استفاده عاطفی از روی متغیر سبکهای دلبستگی را نشان می‌دهد. مرور دقیق شاخص‌های نیکویی برازش الگوی ساختاری نشان می‌دهد که الگوی مزبور پس از اصلاح با داده‌ها برازش مطلوبی دارد (شکل ۴). در این الگو، ۳۵ درصد از پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی از طریق سبکهای دلبستگی ایمن و ۵۳ درصد از پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی از طریق سبکهای دلبستگی اجتنابی تبیین شد. سبک دلبستگی دوسوگرا در این مدل نقش معناداری در تبیین پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی نداشت.

فرضیه چهارم:

سبکهای هویتی عامل پیش‌بینی کننده ای برای سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران است.

ماتریس همبستگی سبکهای هویتی و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران (بررسی فرضیه پنجم) نتایج جدول ۴-۶ نشان می‌دهد که رابطه بین نمره سبکهای هویتی هنجاری ($r = -0.142$, $p = 0.05$) و تعهد ($r = -0.322$, $p = 0.05$) با سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران منفی و معنادار است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین سبکهای هویتی سردرگم ($r = 0.278$, $p = 0.05$) و با سوء استفاده عاطفی در

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان دختران دبیرستانی ، مثبت و معنادار است.

جدول ۶-۴: ماتریس همبستگی سبکهای هویتی و سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران

۵	۴	۳	۲	۱	
				۱	اطلاعاتی
			۱	.۵۶۶**	هنجاری
		۱	-.۲۵۰**	-.۲۰۶**	سردرگم
	۱	-.۲۵۹**	.۵۶۶**	.۵۳۰**	تعهد
۱	-.۳۲۲**	.۲۷۸**	-.۱۴۲**	.۱۰۲	سواستفاده عاطفی

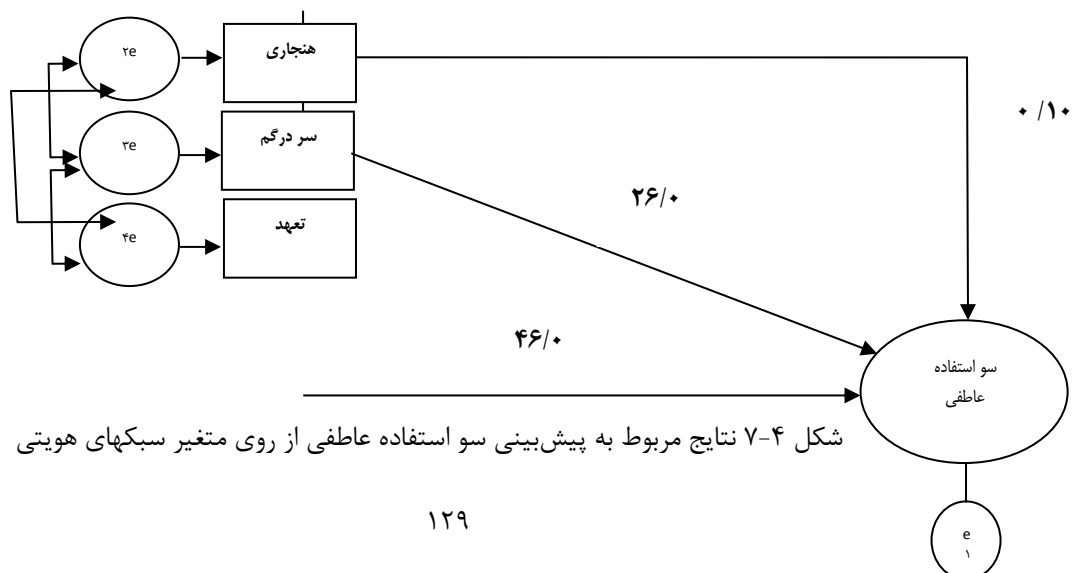
* $P < .05$ ** $P < .01$

در این بخش، به منظور تبیین الگوی پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی از روی متغیر سبکهای هویتی ، از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. به بیان دیگر، در این بخش، الگوی مفروض روابط ساختاری بین سو استفاده عاطفی از روی متغیر سبکهای هویتی (با کنار گذاشتن سبک هویتی اطلاعاتی به دلیل عدم معناداری مناسب در ضریب همبستگی پیرسون) در نمونه مورد بررسی آزمون شد.

شکل ۴-۷ نسخه اصلاح شده الگوی مفروض پیش بینی سو استفاده عاطفی از روی متغیر سبکهای هویتی را نشان می دهد. برای الگوی اصلاح شده مقادیر شاخص های نیکویی برازش شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) برای الگوی کلی اصلاح شده، برازش مطلوب الگوی مفروض با داده ها را نشان می دهد.

جدول ۷-۴: شاخص های نیکویی برازش الگوی مفروض بعد از اصلاح

RMSEA	CFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	
.۰۶۲	.۹۸	.۹۵	.۹۷	۱/۵۲	۶	۹/۱۲	بعد از اصلاح مدل



شکل ۷-۴ نتایج مربوط به پیش‌بینی سو استفاده عاطفی از روی متغیر سبکهای هویتی را نشان می‌دهد. مرور دقیق شاخص‌های نیکویی برازش الگوی ساختاری نشان می‌دهد که الگوی مزبور پس از اصلاح با داده‌ها برازش مطلوبی دارد (شکل ۵). در این الگو، ۴۶ درصد از پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی از طریق سبکهای هویتی تعهد و ۲۶ درصد از پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی از طریق سبکهای هویتی سردرگم تبیین شد. سبک هویتی اطلاعاتی از مدل برای برازش حذف گردید و سبک هنجاری نیز با ۱۰ درصد نقش، در این مدل نقش معناداری در تبیین پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی نداشت.

فرضیه پنجم:

عوامل پیش‌بینی کننده سوء استفاده عاطفی با میزان جامعه پذیری دانش آموزان دختر دبیرستانی در ارتباط است. نتایج جدول ۸-۴ نشان می‌دهد که رابطه بین نمره جامعه پذیری با هوش معنوی ($r = 0/515$)، هوش هیجانی ($r = 0/245$)، سبک هویت هنجاری ($r = 0/291$)، سبک هویت اطلاعاتی ($r = 0/146$) و سبک هویت تعهد ($r = 0/507$) مثبت و معنادار و با سبک دلبستگی اجتنابی ($r = -0/166$)، سبک دلبستگی دوسوگرا ($r = -0/150$)، سبک هویت سردرگم ($r = -0/288$) و با سوء استفاده عاطفی در دختران دبیرستانی تهران منفی و معنادار است.

جدول ۸-۴ ماتریس همبستگی عوامل پیش‌بینی کننده سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه

آن با میزان جامعه پذیری آنان در دختران دبیرستانی تهران

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
جامعه پذیری											۱	
هوش معنوی										۱	.۵۱۵**	
هوش هیجانی									۱	-	.۳۴۰**	
سبک دلبستگی ایمن								۱	-	.۱۲۸*	.۵۰۵**	
										.۱۹۷**		

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						۱	-	.۰۵۹	-	-	سبک دلبستگی اجتنابی
					۱	.۴۸۰**	-	-.۰۰۴	-	-	سبک دلبستگی دوسوگرا
				۱	-	-.۰۲۵	.۳۶۶**	-.۰۸۱	.۲۴۴**	.۲۹۱**	سبک هویت هنجاری
			۱	.۵۶۶**	.۰۷۲	.۲۱۶**	.۳۰۶**	.۰۴۹	.۰۲۳	.۱۴۶**	سبک هویت اطلاعاتی
		۱	-	-	.۲۳۶**	.۱۱۴*	-	.۱۴۳**	-	-	سبک هویت سردرگم
	۱	-	.۵۳۰**	.۵۶۶**	-	-	.۵۵۱**	-	.۲۴۲**	.۵۰۷**	سبک هویتی تعهد
		.۲۵۹**			.۲۲۲**	.۱۸۱**		.۲۰۹**			
۱	-	.۲۷۸**	.۱۰۲	-	.۲۶۴**	.۴۷۱**	-	.۳۵۲**	-	-	سوء استفاده عاطفی
	.۳			.۱۴۲**			.۲۱۷**		.۳۸۴**	.۴۷۷**	
	۲										
	۳*										
	۰										

* $P < .05$ ** $P < .01$

در این بخش، به منظور تبیین الگوی پراکندگی نمرات سوء استفاده عاطفی از روی دینداری، تمایز یافتگی، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، سبک هویتی از معادلات ساختاری استفاده شد.

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش تبیین الگوی پراکندگی نمرات سوء استفاده عاطفی از روی دینداری، تمایز یافتگی، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، سبک هویتی برای هر یک از شاخص‌های پیشنهادی هو و بنتلر (۱۹۹۹) شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش

(GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) به ترتیب برابر

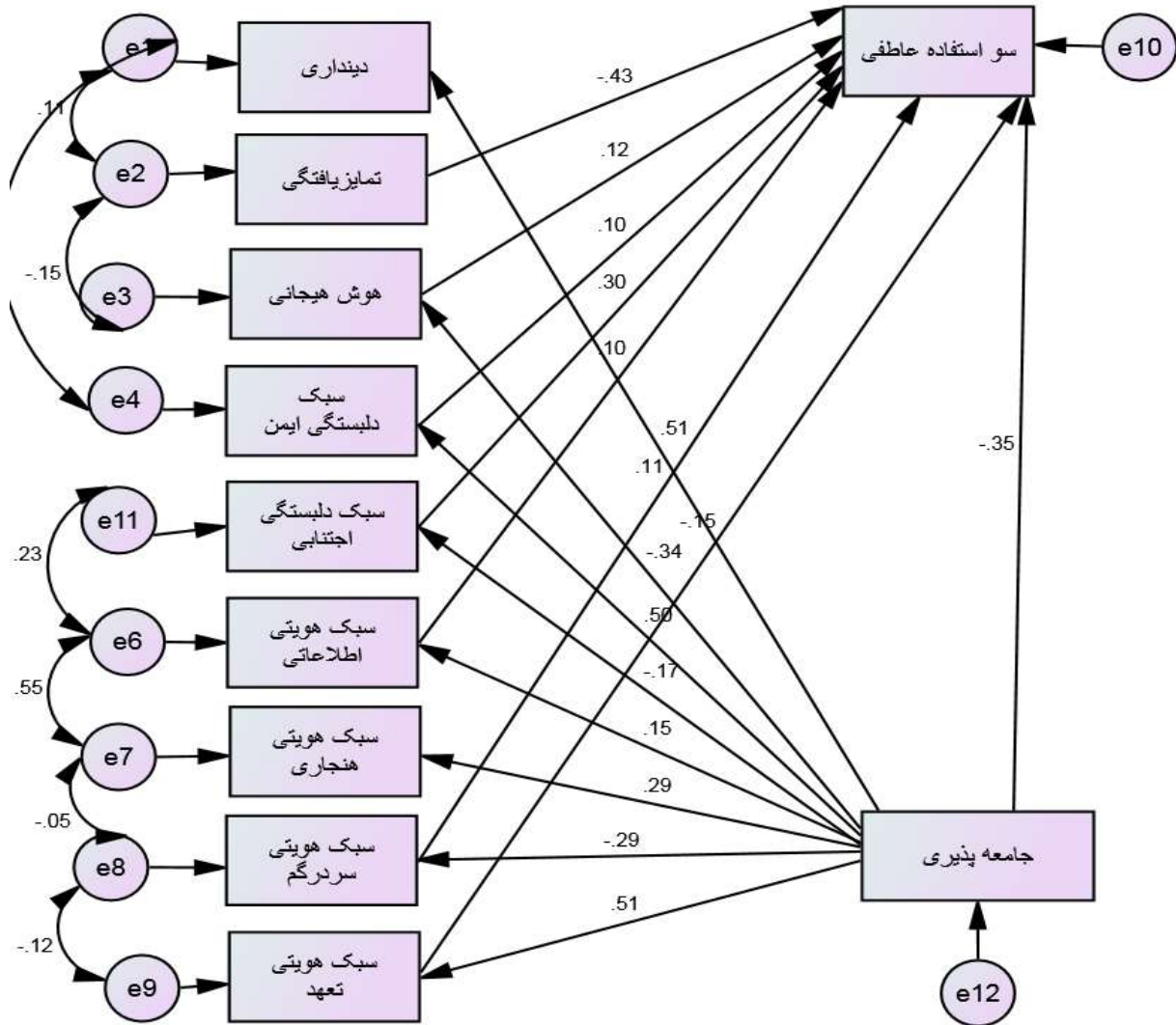
با ۰/۲۷۶، ۳/۳۶، ۰/۹۵، ۰/۹۰، ۰/۸۵ و ۰/۰۸۴ به دست آمد (جدول ۴-۴).

بر اساس منطق پیشنهادی هو و بنتلر (۱۹۹۹) برای تعیین برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های پیش گفته، ارزش عددی بالاتر از ۲ برای شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، ارزش عددی بالاتر از ۰/۰۶ برای شاخص خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) و ارزش عددی کمتر از ۰/۹۰ شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI)، ضرورت بیش از پیش اصلاح الگو را با هدف کمک به بهبود برازندگی آن با داده‌ها نشان می‌دهد.

شکل ۲-۴، نسخه اصلاح شده تبیین الگوی پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی از روی دینداری، تمایز یافتگی، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، سبک هویتی را نشان می‌دهد. برای الگوی اصلاح شده مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) به ترتیب برابر با ۱۹۸/۹۹، ۲/۵۰، ۰/۹۸، ۰/۹۴، ۰/۹۱ و ۰/۰۵۹ به دست آمد (جدول ۲). ارزش عددی مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش برای الگوی کلی اصلاح شده، برازش مطلوب الگو مفروض را با داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۹-۴ شاخص‌های نیکویی برازش الگوی مفروض قبل و بعد از اصلاح

RMSEA	CFI	AGFI	GFI	χ^2/df	Df	χ^2	
۰/۱۲۱	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۷۵	۱/۴	۱۴۷	۶۰۳/۲۶	قبل از اصلاح مدل
۰/۰۵۱	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۹۵	۲/۰۵	۱۳۴	۲۷۵/۲۴	بعد از اصلاح مدل



شکل ۱۰-۴ مدل تبیین الگوی پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی از روی هوش معنوی، تمایز یافتگی، هوش

هیجانی، سبک دلبستگی، سبک هویتی و جامعه پذیری پس از اصلاح

شکل ۱۰-۴ نتایج مربوط به تبیین الگوی پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی از روی دینداری، تمایز یافتگی، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، سبک هویتی و جامعه پذیری را نشان می‌دهد. مرور دقیق شاخص‌های نیکویی برآزش الگوی ساختاری نشان می‌دهد که الگوی مزبور پس از اصلاح با داده‌ها برآزش مطلوبی دارد (جدول ۹-۴). در این الگو، از میان مولفه‌های موجود در مدل تبیین پراکندگی نمرات سو استفاده عاطفی؛ متغیر دینداری با سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی و سبک‌های هویتی هنجاری و تعهد در ارتباط است. متغیر تمایز یافتگی با سواستفاده عاطفی ارتباط معناداری داشت. و جامعه‌پذیری با هوش معنوی، هوش هیجانی، سبک هویتی سردرگم و تعهد، سبک دلبستگی اجتنابی، ایمن و سردرگم و سبک‌های هویتی اطلاعاتی، هنجاری رابطه معنادار داشت.

بحث در یافته‌ها

به گفته شاملو (۱۳۹۸) هدف اصلی بهداشت روانی، پیشگیری است و این منظور، به وسیله ایجاد محیط فردی و اجتماعی مناسب حاصل می‌گردد. جوامع انسانی، از جامعه پذیر کردن اعضای خود اهداف خاصی را دنبال می‌کنند که مهم‌ترین آنها آموزش خویشتن داری و نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. در این فرایند، فرد مهارت‌های لازم را برای مراقبت از خود و فرهنگ جامعه می‌آموزد. همچنین فرایند جامعه‌پذیری، این امکان را فراهم می‌سازد تا دانش و شیوه‌های زندگی مردم وابسته به یک فرهنگ، از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد (کوئن، ۱۳۷۶: ۱۷۵). اما یکی از عواملی که سبب اختلال در جامعه‌پذیری می‌شود، روابط پرخطر است (گیلبرت، ۲۰۱۵: ۱۳).

در الگوی نظری انومی و کارکرد گرایی دورکیم، سوء استفاده عاطفی یک پدیده اجتماعی تلقی می‌شود. او معتقد است که همه جوامع دارای جرائم مختلف هستند و این امر ناشی از کارکرد ساختارهای جامعه است. هرگاه خشونت از حالت عادی فراتر رود، تبدیل به بیماری اجتماعی می‌شود. دورکیم به نقش جامعه و باورهای جامعه در بازدارندگی از کج رفتاری و خشونت و جرم تأکید دارد و کج رفتاری و جرم را ناشی از تناقض هنجارها و گاهی فقدان یا ضعف هنجارها میدانند. او همچنین معتقد است که انسجام و یکپارچگی بین اعضای جامعه در جلوگیری از جرم و انحراف مؤثر است و احتمال قانون شکنی‌اش را کاهش می‌دهد (شریعت، ۱۳۸۱) و همچنین طبق نظریه کنترل اجتماعی، انحراف را ناشی از ضعف یا گسیختگی رابطه فرد یا اجتماع بر اثر عدم احساس تعلق به جامعه میدانند (هیرشی، ۱۹۶۱). بنابراین می‌توان رابطه‌ی

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان

بین عوامل پیش بینی کننده سوء استفاده عاطفی با جامعه پذیری را با توجه به مباحث فوق و سوابق تجربی تحقیق تبیین کرد؛ گفتنی است که نتایج این پژوهش با نظریه ساخت گرایی هماهنگی دارد که معتقدند، رفتارهای انحرافی، از جمله سوء رفتار عاطفی و خشونت خانگی، زمانی کاهش می یابند که پیوند میان فرد و جامعه قوی باشد و از جمله نهادهای مهمی که در ایجاد این پیوند نقش مهمی ایفا میکند، جامعه پذیری افراد است. جامعه پذیری از راه های مختلفی در ایجاد پیوند فرد با جامعه و درونی کردن ارزش های آن در فرد مؤثر است و از آن جمله میتوان به کنترل درونی فرد از طریق ارزشها و ایجاد وجدان اشاره کرد؛ بنابراین، افرادی که از جامعه پذیری بالاتری بهره مندند، بیشتر می توانند این ارزشها و هنجارها را درونی کرده و بنابراین، امکان کنترل درونی را بیشتر می کنند و رفتار های عاطفی - هیجانی سالم تری خواهند داشت.

جامعه پذیری زمینه مشارکت فعال فرد در اجتماع را فراهم نموده و باعث می شود وی در رویارویی با وضعیت های دشوار اجتماعی واقعی، واکنش های اجتماعی مؤثری از خود بروز دهد. در واقع، جامعه پذیری، توانایی های بالقوه فرد را به بالفعل تبدیل می کند و برای ایجاد، حفظ و سازماندهی یک رابطه انسانی سالم ضروری می باشند.

بر اساس یافته های تحقیق حاضر، یکی از متغیرهای قابل تبیین، رابطه مثبت و معنادار هوش هیجانی میباشد. گلمن (۲۰۰۷) هوش هیجانی را خواهر همتراز هوش اجتماعی معرفی مینماید. او معتقد است که هوش بین فردی یا هوش اجتماعی یعنی مهارت عاطفی که برای حفظ ارتباط های نزدیک در دوستیها، ازدواج یا ارتباط شغلی، اساسی است. این مهارتها در کودکی جوانه میزند و در طول زندگی شکوفا میشود. افراد در موقعیتهای اجتماعی یکسان عمل نمیکنند. انتخاب بین این که افراد در موقعیتهای متفاوت ارتباط سالم را انتخاب کنند، یا رابطه ای که در آن مورد سوء استفاده عاطفی قرار بگیرند بستگی به هوش اجتماعی آنها دارد. انتخاب نوع رفتار و در نتیجه سوء استفاده عاطفی در موقعیتهای متفاوت به هوش اجتماعی افراد بستگی دارد. از این نقطه نظر یافته های این مطالعه قابل تبیین است. از طرفی تحقیقات نشان داده هوش هیجانی بیشتر یک مهارت اکتسابی است که فرد آن را از محیط می آموزد که ازین جهت ارتباط آن با میزان جامعه پذیری قابل تبیین است. انواع سبک های دل بستگی، یکی دیگر از تئوریهای است که سوء استفاده عاطفی را پیش بینی میکند و همچنین با میزان جامعه پذیری افراد مورد مطالعه در ارتباط است، در این دیدگاه، مهمترین عامل مؤثر در خشونت علیه دیگران بخصوص در روابط با جنس مخالف سبک های دل بستگی نایمن ذکر شده است (اسمیت،

داگلاس، کری و وارد^۱ (۲۰۱۴). طرحوارهها در کودکی شکل میگیرند و خانواده در ایجاد آن، نقش فراوانی ایفا میکند. پاسخهای مزمن به دلبستگی نایمن، در بزرگسالی نمود پیدا میکنند و صفات مرتبط با شناختها و رفتارها را در روابط صمیمانه شامل میشوند (پیوسته گر، ۱۳۹۳). داتون و وایت^۲ (۲۰۱۸) دلبستگی نایمن را بزرگترین عامل روانشناختی پیشبینی کننده خشونت و سوء رفتار ذکر میکنند. زیرا افراد دلبسته نایمن عزت نفس پایین داشته و خود را در برابر مشکلات ناتوان میبینند. آنها در روابط جانب اعتدال را حفظ نمیکنند و به راحتی درگیر روابط آسیب زا میشوند. (فولینگاستاد، برادلی، هلف و لاگلین^۳، ۲۰۱۲). به عقیده این محققان داشتن سبک دلبستگی نایمن، احتمال اعمال خشونت را در گروه مرتکب خشونت را افزایش میدهد و از این طریق یافته های به دست آمده در خصوص رابطه بین سبک دلبستگی نایمن با سوء استفاده عاطفی قابل تبیین میباشد، همچنین سبکهای دلبستگی در کودکی با توجه به ارتباط بین مادر و کودک شکل میگیرد و در فرایند جامعه پذیری تقویت میشود، از این جهت رابطه سبک دلبستگی نایمن با سوء استفاده عاطفی و سبک دلبستگی ایمن با جامعه پذیری مثبت قابل تبیین است.

اریکسون (۱۹۶۸) معتقد است اگر فرایند جامعه پذیری درست رخ دهد، فرد به هویت متشکل و منسجم از خود میرسد. اریکسون (۱۹۶۸) ایجاد هویت را به عنوان مهمترین پیشرفت شخصیت در دوره ی نوجوانی مطرح کرد و آن را گامی حیاتی در جهت وصول به بزرگسالی شادمانه و مولد می داند. انحراف از ساختار هویت بهنجار و سالم با انحراف در سلامت روان و پدید آیی سوء رفتار و سوء استفاده عاطفی، همراه خواهد بود. این پژوهش ها نشان داده است که سبک اطلاعاتی، سازگارانترین سبک هویت و متضمن ساز و کارهای کنار آیی در موقعیت های روزانه است. افرادی که چنین سبکی دارند، به صورت فعال و آگاهانه به دنبال اطلاعات و ارزیابی آنها برمی آیند و تلاش می کنند تا مناسب ترین آنها را مورد استفاده قرار دهند. همبستگی مثبت نمرات سبک هویت هنجاری و جامعه پذیری را می توان با استناد به تعریف این سبک توضیح داد. در سبک هویت هنجاری، به موضوعات هویت و تصمیم گیری ها طی همنوایی با انتظارات و دستورات افراد مهم و گروه های مرجع پرداخته می شود، ارزش ها و عقاید بدون ارزیابی آگاهانه پذیرفته و درونی می شود در این شرایط، نیاز بالایی برای بسته نگه داشتن ساختار خود بوجود می آید، همین امر باعث می شود نوعی از انسجام در پاسخ به درون و بیرون بوجود آید و همین وضعیت او را از سوء رفتار و سوء استفاده عاطفی مصون نگه می دارد. تبیینی که برای ارتباط

^۱ Smith, Douglas, Carrie & Ward

^۲ Dutton & white

^۳ Follingstad, Bradley, Helff & Laughlin

مدل یابی عوامل پیش بینی سوء استفاده عاطفی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و رابطه آن با میزان جامعه پذیری آنان منفی و معنادار بین دینداری و سوء استفاده عاطفی و جامعه پذیری میتوان در نظر گرفت این است که در واقع زمانی فرد از نظر ابعاد معنوی ودینداری در سطح پایینی باشد و باورهای مذهبی، اعتقاد به نیروی برتر و باورهای مذهبی او درونی نشده باشد، احتمال بیشتری دارد که برای پر کردن خلاء های ناشی از عدم اتصال به نیرویی برتر و اطمینان بخش، درگیر روابط ناسالمی که در آن مورد سوء استفاده عاطفی قرار میگیرد، بشود. همچنین دورکیم به نقش دین و باورهای مذهبی در بازدارندگی از کج رفتاری و خشونت و روابط خارج از چارچوب تاکید دارد آن را ناشی از تناقض هنجارها و گاهی فقدان یا ضعف هنجارها میدانند. در تبیین این نتایج میتوان گفت در نهایت دینداری موجب هدایت فرد در تصمیم گیری ها و فشارها میگردد، توانمندیهای فردی را افزایش داده، احساس تسلط داشتن، الگوی پذیرش، تحمل رنج و نیز سازگاری با استرس ها و مشکلات در روابط بین فردی را کاهش میدهد؛ در حقیقت دینداری و درونی شدن ارزشهای مذهبی از طریق جامعه پذیری نوعی خویشتن دوستی به فرد میبخشد که مانع آسیب رساندن به خویش به وسیله ی روابطی که در آن مورد خشونت یا سوء استفاده قرار میگیرد، می شود.(مایرز و همکاران، ۲۰۱۷). برخی از تحقیقات به بررسی رابطه بین زندگی در محیط های شهری و روابط پرخطر پرداختند و نتایج به دست آمده نشان داد که زندگی در محیط های شهری توأم با روابط پرخطر بیشتری است (لوین و کوپی^۱، ۲۰۰۳: ۳۰۵-۳۵۰). از آنجایی که در محیط های شهری و به ویژه شهرهای بزرگ با پدیده گمنامی مواجه هستیم و تراکم و ناهمگونی جمعیت نیز افزایش پیدا می کند، جامعه پذیری غیررسمی دچار ضعف گردیده و جامعه پذیری رسمی نیز جوابگوی جمعیت زیاد شهرهای بزرگ نیستند، لذا میزان وقوع روابط پرخطری که منجر به سوء استفاده عاطفی میشود، نیز بیشتر می باشد. در شرایط گذار نیز کارگزاران جامعه پذیری، در ایفای نقش خود و درونی کردن ارزش ها و هنجارها و رفتارهای قانونمند و سازگار با مشکل مواجه می شوند. شهر تهران یکی از کلانشهرهای ایران می باشد که با قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی خاصی، سیل مهاجرت از استان های دیگر را به سوی خود روانه نموده است. بیشتر این مهاجران دارای تنوع فرهنگی و قومی بوده و همین عامل خود زمینه اختلال در جامعه پذیری افراد و نتیجتاً روابط آسیب زا و پرخطر آنان را فراهم می نماید. همچنین زندگی در شرایط گذار و نامطمئن بودن نسبت به آینده باعث می شود که جوانان تصمیم های توأم با ریسک و خطر بگیرند. در این شرایط، مجهز بودن جوانان به سلاح هایی مانند: جامعه پذیری و مهارتهای اجتماعی، میزان خطر

^۱ Levine & Coupey

پذیری و ریسک را کاهش داده و توانمندی های بالقوه آنان را عملیاتی می کند. بدین ترتیب، آموزش مهارت های جامعه پذیری، فرایندهای حل مسأله جوانان را تقویت نموده و روابط آسیب زا و پرخطر و عوامل ریسک که تهدید بزرگی برای جوانان می باشد، را کاهش می دهد. از این رو، پژوهش های مرتبط با نوجوانان باید به دنبال نشان دادن این پیچیدگی ها، تغییر پذیری ها در تجربه نوجوانی، چگونگی مواجه شدن آنان با مشکلات و موقعیتهای ناسازگارانه و ارائه راه حل های کارآمد و مداخله گر و الگوهای حل مسأله در برابر این شرایط دشوار باشد. لذا در این پژوهش، دستیابی به موارد ذکر شده از ضرورت های عملی آن محسوب می شود.

منابع:

- آزادارمکی، م. و شریفی ساعی، ب. (۱۳۹۰). تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران، فصلنامه خانواده پژوهی، سال ۷، شماره ۲۸، صفحه ۴۳۵-۴۶۲.
- احمدی، ح. و معینی، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۴، شماره ۱، صفحه ۱-۲۴.
- ایرانی، سودابه، تکلوی، نریمانی، & محمد. (۲۰۱۹). بررسی رابطه سبک‌های هویت و رشد اخلاقی در نوجوانان.
- پناغی، ل.، قهاری، ش. و یوسفی، ح. (۱۳۸۵). خشونت علیه همسر و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه قربانیان این پدیده، مجله خانواده پژوهی، ۷، ۲۵۷-۲۶۷.
- پیوسته گر، مهر انگیز، خسروی، زهره، کرمی، الهه. (۱۳۹۵). رابطه طح‌حواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با خشونت مردان علیه همسران خود. مطالعات روانشناختی، ۱۲(۱)، ۲۶-۷.
- تنهایی ح.ا. (۱۳۷۹). (درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: مرن‌دیز.
- جمشیدی، ف.؛ اعظم‌زاده، م.؛ عاشوری، ا. و قاضی‌نژاد، م. (۱۳۷۴). (مقدمه‌ای بر نقش خانواده، مدرسه، گروه همسالان در هنجارپذیری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران، طرح پژوهشی به سفارش سازمان مرکزی.
- چینامبار، ج. (۱۳۷۳). مقدمه ای بر جامعه‌شناسی با تاکید بر جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه احمد حجازان و مصطفی ازکیان. تهران: نشر نی.
- چلبی، م. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- خداوندی راهدانه، ش. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر هوش هیجانی بر میزان رضایت از زندگی زناشویی و رابطه آن با نظام ارزشی همسران. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- حق‌شناس، ع.م.؛ سامعی، ح. و انتخابی، ن. (۱۳۸۷). فرهنگ معاصر هزاره، چاپ سیزدهم، تهران: فرهنگ معاصر.

روایی، س. (۱۳۷۸). بررسی چگونگی الگوپذیری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۱۷ آموزش و پرورش شهر تهران،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد امور فرهنگی (گرایش مدیریت)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

شاهی، هاجر، صادقی افجه، & مرادی عباس‌آبادی. (۲۰۲۰). رابطه سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی با رفتارهای پرخطر

دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران. مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۵(۴۵).

شاملو، سعید (۱۳۹۸). بهداشت روانی فرد و جامعه، چاپ یازدهم، تهران: رشد، صفحه ۳۴.

شریعت، نیلوفر (۱۳۸۱). مقایسه هنجارهای جامعه‌پذیری خانواده و مدرسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگری علوم

اجتماعی دانشگاه الزهرا.

صفاری، م؛ شجاعی زاده، د؛ غفزانی پور، ف؛ رمضان خانی، ع. (۱۳۸۹). ارتباط شناسی سلامت، تهران: آثار سبحان.

صیدی، محمدسجاد. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای ارتباط خانواده در رابطه بین معنویت و تاب‌آوری آن. پایان‌نامه کارشناسی

ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.

قاسمی ثریا، & شریفی کبیر. (۲۰۱۸). بررسی مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی

نوجوانان دارای گرایش به رفتارهای پرخطر و نوجوانان عادی.

کلاته ساداتی، احمد، حجازی، & مرادی نژاد. (۲۰۱۹). رابطه بین دین‌داری و رفتار پرخطر در زندگی مجردی؛ مطالعه

پیمایشی زنان شهر یزد ۱۳۹۷. زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۱)، ۴۲-۲۷.

کوئن، بروس. (۱۳۸۲). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: توسلی، غ.ع. و فاضل، ر.، تهران: نشر سمت.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی، ترجمه: صبوری. م.، تهران: نشر نی، چاپ بیست و ششم.

یعقوبخانی غیاثوند، فتحی اقدم، قربان. (۲۰۱۲). همبسته‌های شخصیتی دانشجویان قربانی سوء استفاده عاطفی در ارتباط

با جنس مخالف. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۱۶(۳)، ۶۵-۶۰.

Bar-On, R. Orme, G. (2002). The contribution of emotional intelligence to individual and organisational effectiveness. *Competency and Emotional Intelligence Quarterly*, Vol.19, No.4, PP.23-28.

Berzonsky, M. D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44(3), 645-655.

Bamrind, D. (2000) Computers as socialization agent and entertainment.

Cassidy, J. (2000). The complexity of the caregiving system: A perspective from attachment theory. *Psychological inquiry*, 11(2), 86-91.

Erikson, E. H. (1994). *Insight and responsibility*. WW Norton & Company.

Fisher, C., Hunt, L., Adamsam, R., & Thurston, W. E. (۲۰۰۸). 'Health's a difficult beast': The interrelationships between domestic violence, women's health and the health sector: An Australian case study. *Social Science & Medicine*, 65(8), 1742-1750.

Frederick Amar A, & Gennaro, S. (2005). Dating violence in college women: Associated physical injury, healthcare usage, and mental health symptoms. *Nursing research*, 54(4), ۲۳۵-۲۴۲.

Follingstad, D. R., Bradley, R. G., Helff, C. M., & Laughlin, J. E. (۲۰۱۲). □ □□□□ □□□□ predicting dating violence: Anxious attachment, angry temperament, and need for relationship control. *Violence and victims*, 17(1), 35-47.

Gottman, J. M. (2011). Meta-emotion, children's emotional intelligence, and buffering children from marital conflict. *Emotion, social relationships, and health*, 23-40.

Golman, D. (2007). *Social intelligence*. Arrow Books.

Gilbert, P.A. (2015) "Effects of Puberty and Parenting on Adolescent Psychosocial, Dissertation of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in the Department of Psychology", *Developmental Psychology*, 17: 1-30.

Hazen C, Shever P (1987). Romantic love conceptualized as attachment process. *Personal Soc Psychol.* 52(3):511-24.

Hershey, M. R., (۱۹۶۹). Watergate and preadults' attitudes toward the President. *American Journal of Political Science*, 703-726.

Johnson J.K. R. John, A. Humera , S. Kukreja , M. Found , S.W.(2007). The prevalence of emotional abuse in gynaecology patients and its association with gynaecological symptoms. *European Journal of Obstetrics & Gynecology and Reproductive Biology*, ۱۳۳,۹۵-۹۹.

Kim, J., et al.(2009). The Incidence and Impact of Family Violence on Mental Health Among South Korean Women: Results of a National Survey. *Korean Journal of Social Welfare*, 24.193-202.

Levine, S. B., & Coupey, S. M. (2003). Adolescent substance use, sexual behavior, and metropolitan status: is "urban" a risk factor?. *Journal of adolescent health*, 32(5), ۳۵۰-۳۵۵.

Mrcros,J., & Mccabe, M. (2001). Relationships Between Identity and Self-Representations During Adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, Volume 30, No ۵, ۶۲۳-۶۳۹.

Miller,P.H. (2002). Theories of developmental psychology. New York, Warth Publishers.

Morley, T.E., Moran, G. (2011). The origins of cognitive vulnerability in early childhood: Mechanisms linking early attachment to later depression. *Clinical Psychology Review*, 31(7), 1071-1082.

Smith, L., Ciarrochi, J., and Heaven P.C.L. (2018). The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction: A one-year longitudinal study. *Personality and Individual Differences*, 45: 738–743

Shaffer, D.R. (2008). *Social and personality development*. Wadsworth tamson Learning. 4 Edition.

Dutton, D. G., & White, K. R. (2012). Attachment insecurity and intimate partner violence. *Aggression and violent behavior*, 17(5), 475-481.

White, F. A. (2000). Relationship of family socialization processes to adolescent moral thought. *The Journal of social psychology*, 140(1), 75-91.

Modeling the factors predicting emotional abuse in female high school students and its relationship with their socialization

Mina aminizadeh^۱. Mozghan niknam^۲.pantea jahangir^۳

The common goal of all socializing factors is to internalize norms, values, religious, social, moral, etc. beliefs in the individual. The results of scientific and practical experiences show that the main behavioral and personality problems in the adolescent group of society are non-compliance and adaptation to different types of norms and values that are learned in the process of society, issues that can lead to conflict and entry into Relationships are traumatic that ultimately lead to emotional abuse. Therefore, this study was conducted to model the predictors of emotional abuse in female high school students in Tehran and its relationship with their socialization. This research was a descriptive correlational study using path analysis. The statistical population of the present study included all adolescent girls in high school in the academic year of 1995-96 in Tehran. Sampling was done by multi-stage cluster sampling method, the collection tools were standard questionnaires of socialization, emotional abuse, religiosity, emotional intelligence, attachment style, and identity styles. The results of this study show that the relationship between the total score of religiosity and emotional abuse in high school girls in Tehran is negative and significant ($r = -0.384, p = 0.05$). The relationship between the total score of emotional intelligence and emotional abuse in high school girls in Tehran is positive and significant ($r = 0.352, p = 0.05$). The relationship between the score of secure attachment styles and emotional abuse in high school girls in Tehran is negative and significant ($r = -0.396, p = 0.05$). The relationship between the score of normative identity styles ($r = -0.142, p = 0.05$) and commitment ($r = -0.232, p = 0.05$) with emotional abuse in high school girls in Tehran is negative and significant. Also, the results show that the relationship between confused identity styles ($r = 27.28, p = 0.05$) and emotional abuse in high school girls is positive and significant. Findings showed that the variables studied and their components are a predictive factor for emotional abuse in high school girls in Tehran and each of the variables is related to the degree of socialization of students.

Keywords: Socialization, Emotional Abuse, Religiosity, Emotional Intelligence, Attachment Style, Identity Styles

¹ Ph.D.Student.Department of Counseling. Roudehen Branch. Islamic Azad University.Roudehen.Iran.
(Corresponding Author) minaaminazadeh92@gmail.com

² Department of Counseling. Roudehen Branch. Islamic Azad University.Roudehen.Iran.
jahangir@riau.ac.ir

³ Department of Counseling. Roudehen Branch. Islamic Azad University.Roudehen.Iran.